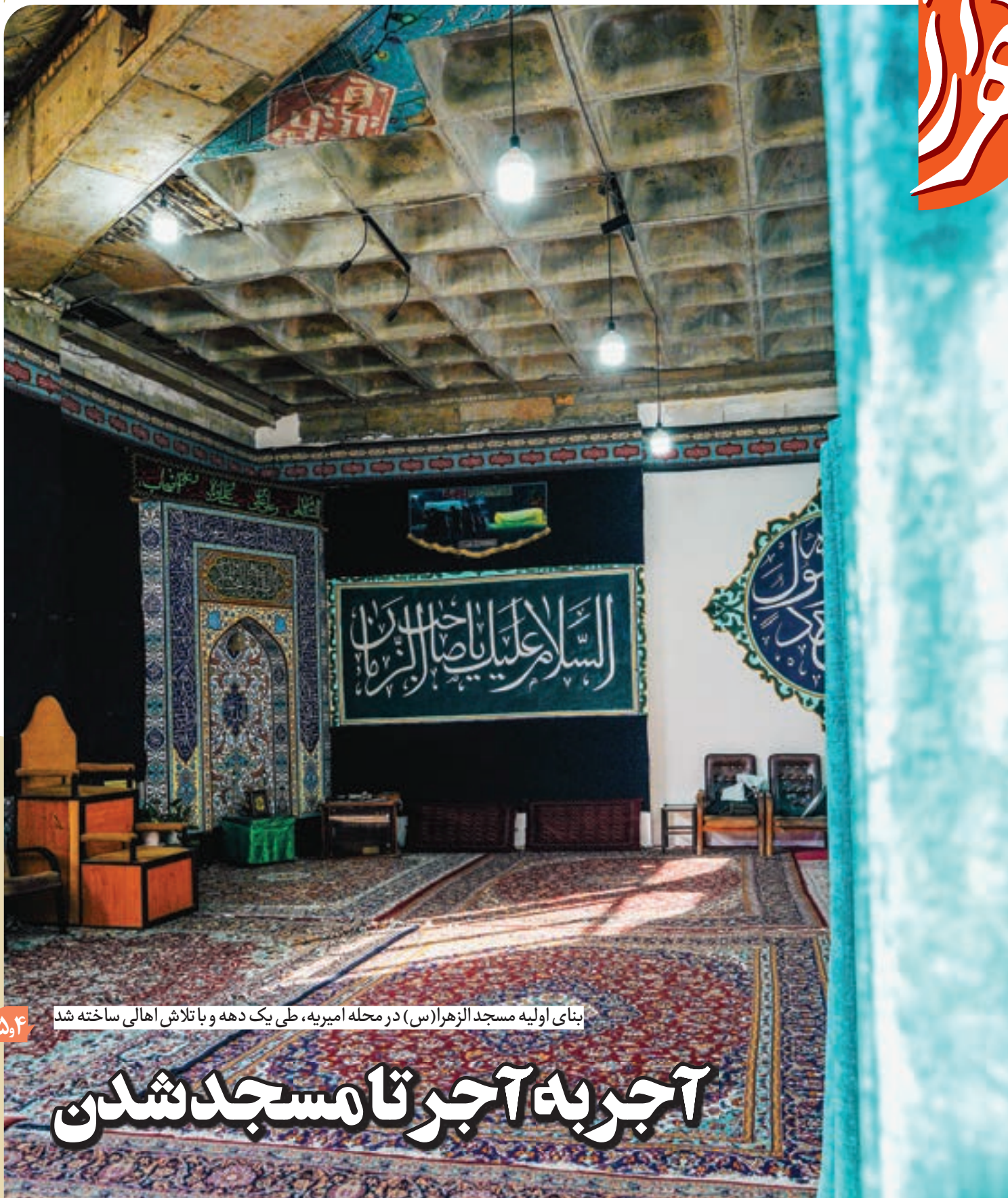




عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا

بنای اولیه مسجد الزهرا (س) در محله امیریه، طی یک دهه و با تلاش اهالی ساخته شد

۵۴

آجریه اجرا مسجد شدن



نام شهید فاطمه صمدی، زیننده کوچه امامت ۱۱ است
قرعه‌ای که به شهادت ختم شد

۶

اهالی محله کلاته برفی از شرایط ایستگاه اتوبوس
شاهنامه ۱۸ گلایه دارند

۳

نه صندلی و نه سایبانی!

بوستان بانوان ملت، در گذر ۲۰ سال، جای
خودش را در میان شهروندان پیدا کرده است

۷

شهربانو، حس خوش امنیت

همسایه به همسایه، دیدار بیست و هفتم، خیابان رهایی ۱۰

غافل نبودن از اهل محل

فاطمه سیرجانی | صفا و صمیمیت و آرامش بعضی محلات به خاطر آدم هایی است که در آن سکونت دارند. مثل همسایه های خیابان جلال آل احمد ۶ در محله شهید رضوی که اگر فقط برای چند روز نباشند، خلأیی در محله احساس می شود. نفسشان حق است و حرفشان برای اهل محله حجت کافی است بفرمایند گریه به کار آشنا یا حتی غریبه ای افتاده! آن وقت است که آستین های همت را بالا می زنند و برای باز کردن گره از کار خلق متحد می شوند. بر اساس تعریف های اهالی این معبر می توان محمد تقی قربانیان را محور اصلی اتحاد همسایه هادر این کوچه دانست؛ او یکی از دغدغه های اساسی اش، آرامش همسایه هاست.

● ○ مغازه کوچک، خانه امید تازه عروس و دامادها

در جلال آل احمد ۶ کمتر کسی است که حاج محمد تقی قربانیان را نشناسد. او را نمازگزاران مسجد ولیعصر (عج) به ما معرفی می کنند. سال هاست با درایت و زبان نرم، اختلافات خانوادگی، کاری و مالی بسیاری از اهل محله رافع کرده و گره های بزرگی را باز کرده است. حاج آقا قربانیان که در شورای حل اختلاف مسجد محله نیز صاحب نظر است، می گوید: داشتن محله ای آرام، زمانی میسر است که کسی با کسی مشکلی نداشته باشد. نقل یکی از همسایه هادر باره او این طور است: حاج آقا قربانیان در کنار بزرگ تری برای حل اختلافات، دستی هم در کارهای خیر دارد و مغازه کوچکش محل جمع آوری جهیزیه برای نو عروس و داماد های آبرومند ولی نیازمند است. حاج محمد تقی درباره نقشه راه خودش برای همسایه داری می گوید: همسایه خوب کسی است که از حال و احوال همسایه ها غافل نباشد و به اهل محل به چشم خانواده نگاه کند.



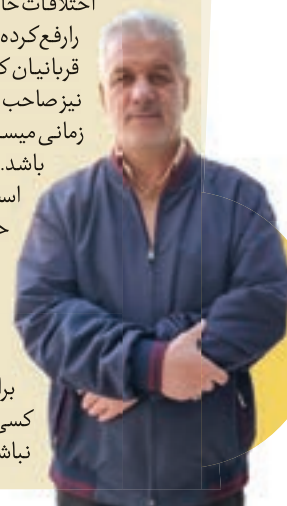
● ○ زیرزمین خانه، تقدیم زوج نیازمند

مهدی عمادی را قربانیان به مامعرفی می کنند و می گوید: جای پارک خودرو بزرگ ترین مشکل این محله است. نخستین آشنایی ما با آقا مهدی این طور بود که بنده خود رویم را مقابل منزلشان گذاشته بودم، اما ایشان با خوش رویی، رفتاری مؤدبانه از خود نشان دادند که به دل نشست. عمادی که از اواسط دهه ۷۰ این ملک را خریده، به دلیل شغل دریاوردی کمتر در محله حضور داشته است، اما ادب و نزاکت و مردم داری اش باعث شده اهل محل او را انسانی مهربان بدانند؛ به ویژه که زیر زمین منزلش را با اجاره ای ناچیز به زوجی معلول و نیازمند اجاره داده است. عمادی، شریک بودن در غم و شادی همسایه ها و سازگاری با مردم را از نشانه های ایمان می داند، می گوید: مهربانی و مدارا با هم محله ای ها آرامشی دارد که اثراتش در زندگی های خودمان جاری و ساری خواهد شد.

● ○ اولین نفر در صف کارهای خیر

در ادامه گپ و گفت با اهالی این معبر، صادق مشهدی را مهدی عمادی به ما معرفی می کند که هر دو خادم افتخاری حرم امام رضا (ع) هستند. وجه اشتراک این سه همسایه خوب محله شهید رضوی، خادم الرضا (ع) بودنشان است. آقا صادق نیز همسایه ای دغدغه مند است که بیشترین حضورش، در برنامه های خیرخواهانه محله است و همیشه برای امور خیر، پیش از همه در صف داوطلبان قرار می گیرد. آقا صادق درباره روابط همسایه ها می گوید: متأسفانه در زندگی های آپارتمان نشینی امروزی، نقش همسایه بسیار کم رنگ شده است. بی اعتمادی، نقش اساسی در سردی روابط بین همسایه ها دارد؛ در حالی که به وقت ضرورت، این همسایه است که به درد آدم می خورد.

این همسایه خوب محله شهید رضوی معتقد است: «قدیم که همسایه ها چون خانواده در کنار هم بودند، انس و محبت بین آدم ها هم بیشتر بود. امروز فضای مجازی، جای آن دور همی های صمیمی را گرفته است که باید با فرهنگ سازی سعی کنیم به آن روزهای خوب برگردیم.»



درآمد بانوان به برکت «برکت»

بازارچه خود اشتغالی بانوان در بوستان برکت راه اندازی شد. این بازارچه محلی به همت بانوان هنرمند و کارآفرین راه اندازی شده است تا زمینه حمایت از بانوان خود اشتغال و تولید کنندگان خانگی را فراهم کند. بازارچه برکت، هر روز از ساعت ۱۵ تا ۱۹ در محل نمازخانه بوستان برپاست و محصولات و وسایل چرمی، تولیداتی چوبی، لباس و زیورآلات در آن عرضه می شود.

ایمنی تردد عابران پیاده در بولوار فرهنگ

اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱ با اصلاح پوشش گیاهی، زمینه تردد ایمن عابران پیاده در بولوار فرهنگ را فراهم کرد. این اقدام در محدوده فرهنگ ۱۶ و اطراف گذرگاه عابر پیاده اجرایی شد تا رانندگان زاویه دید بهتری از معبر پیدا کنند. برای اصلاح گیاهی این محدوده، تعدادی از درختچه های آیلند میانی قطع و تعدادی هم هرس شدند.

هموار کردن معابر منطقه ۱۱

طی دو هفته اخیر، نیروهای عمرانی منطقه ۱۱، دریاچه های معابر اصلی را با مسیر همسطح کرده اند. طی این اقدام، بیش از سی دریاچه جمع آوری آب های سطحی یا تخلیه گاز کانال ها پس از تخریب در راستای ایجاد بهبود وضعیت معابر همسطح شده اند. طرح عمرانی همسطح سازی دریاچه هادر بولوارهای آزادی، معلم، دانشجو، سید رضی و فرهنگ اجرایی شد.

بوستان شهر بانوی پارک ملت در هفته گذشته، میزبان یک رویداد آموزشی بود

بانوان در کلاس هنرآموزی

بهشتی ابعاد از ورزش صبحگاهی و انرژی گرفتن از مناظر پاییزی بوستان ملت، بانوان منطقه ۱۱ در برنامه ای یک روزه تولید برخی صنایع دستی را آموزش دیدند. این برنامه آموزشی به منظور ایجاد ظرفیت های شغلی برای بانوان خانه دار و به همت مدیریت بوستان تدارک دیده شد. طی این برنامه یک روزه، بانوان با شیوه های ساخت انواع سینی، قاشق و جاقاشقی چوبی و تابلو سبک رزین و همچنین تکنیک های کاربردی قلاب بافی آشنا شدند. مرضیه جوادی که در این دوره یک روزه حاضر بود، گفت: در این دوره با خیلی از زمینه های کار به خصوص در حوزه تولید وسایل چوبی آشنا شدیم که خودش می تواند زمینه ورود به بازار باشد. درخواست داریم یک دوره بازاریابی و نحوه فروش هم برگزار شود.





کردیم، گفتند در این ایستگاه من کارت زیادی ثبت نمی شود؛ اولویت با ایستگاه های شلوغ است. این ایستگاه هم خیلی شلوغ است و مسافر زیادی دارد؛ پس چرا باز هم خدمات درستی به شهروندان نمی دهند؟ مرجان کریم لوهم که از اهالی همین محله است، می گوید: فاصله زمانی رسیدن اتوبوس های ایستگاه های بولوار شاهنامه بسیار طولانی است؛ حتی گاهی تا ۴۵ دقیقه و یک ساعت هم می رسد. در این شرایط انصاف این است که حداقل یک صندلی و سایبان بگذارند تا مردم بنشینند، نه اینکه روی جدول ولبه کانال بنشینند.

● برای طرح و اعتبار پیگیری می کنیم

رئیس اداره ناحیه منفصل توس شهرداری منطقه ۱۲ ضمن تأیید شرایط ایستگاه اتوبوس در محل شاهنامه ۱۸ می گوید: در قدم اول برای نصب تابلو راهنما اقدام خواهد شد.

محمد سالار ادامه می دهد: خدمات مربوط به حوزه اتوبوس رانی بر عهده سازمان اتوبوس رانی شهرداری مشهد است اما پیگیری و انتقال موضوعات شهروندی را ما انجام می دهیم. شرایط محل ایستگاه شاهنامه ۱۸ را بررسی کرده ایم. باتوجه به عرض کم مسیر محل ایستگاه که بین دومعبر سواره رو واقع شده است، امکان ایجاد ایستگاه اتوبوس به شکلی که در بقیه فضاهای شهری می بینیم، میسر نیست. با وجود این می توان در این محل صندلی نصب کرد. سالار اضافه می کند: برای تأمین نظر شهروندان در این خصوص، ابتدا موضوع را با سازمان اتوبوس رانی مطرح می کنیم تا طرح این مجموعه برای ایستگاه را دریافت کنیم. سپس با تأمین اعتبار، طرح مورد تأیید را اجرایی خواهیم کرد. باتوجه به اینکه کار باید در دو مرحله طرح و اعتبار با همکاری بقیه سازمان ها پیش رود، نمی توان قول قطعی برای تکمیل این پروژه داد اما سعی می کنیم این کار در کمترین زمان ممکن انجام شود.



● ایستگاه اتوبوس گم شد!

سال قبل بود که ابتدای ورودی شاهنامه ۱۸ با عملیات عمرانی گسترده اصلاح هندسی شد. در همان عملیات بود که هم موقعیت ایستگاه اتوبوس تغییر کرد و هم تابلویی که تنها نماد ایستگاه بود، جمع شد. رمضان شیران که از اهالی محله است، این موضوع را به یاد دارد و می گوید: شهرداری آمد یک جا را درست کند، زد یک جای دیگر را خراب کرد. الان آن تابلو ایستگاه اتوبوس کجاست؟ همان را با دو بیل سیمان نصب می کردند! این شهروندان می دهد؛ زمانی که اینجا اصلاح هندسی یا ایمن سازی انجام شد، ایستگاه گم شد. البته ما خدراشا کریم و از شهرداری ممنونیم که آن کار انجام شد ولی کاش همان موقع فکری هم به حال ایستگاه اتوبوس می شد. تا قبل از اصلاح هندسی، تابلو نصب بود و محل ایستگاه از مسیر اصلی خیابان، عقب تر و ایمن تر بود.

شیران می گوید: بعد از آن تا مدتی، هم مردم سردرگم بودند کجا بایستند و هم راننده های اتوبوس از زمانی به بعد، همین جایی که الان می ایستیم، شد ایستگاه اتوبوس شاهنامه ۱۸ که در آفتاب و باران، نه سایبانی دارد و نه صندلی ای که روی آن بنشینیم.

● ایستگاه اتوبوس هیچ حریمی ندارد

فرزانه کاظمی، بانوی ساکن محله کلاته برفی، می گوید: معمولاً این ایستگاه سر صبح خیلی شلوغ است، با اینکه جمعیت زیادی منتظر اتوبوس می ایستند. ایستگاه هیچ حریم مشخصی ندارد و امکان دارد بچه ای به یک باره وارد خیابان شود و این خیلی خطرناک است. آن هم در این مسیر که پر تردد است و سرعت ماشین ها زیاد. او ادامه می دهد: چند سال قبل، ما ساکن یک محله دیگر بودیم و وقتی برای خدمات ایستگاه اتوبوس در آنجا از شهرداری پیگیری

اهالی محله کلاته برفی از شرایط ایستگاه اتوبوس شاهنامه ۱۸ گلایه دارند

نه صندلی و نه سایبانی!

زهر از نگه آمدن چند شهروندی که پراکنده ایستاده اند، تنها نشانه ما برای تشخیص ایستگاه اتوبوس است؛ ایستگاهی که هیچ علامت مشخصی ندارد و مسافران هم فقط از سر شناخت محله، می دانند اینجا محل توقف اتوبوس است.

این ایستگاه در شاهنامه ۱۸ واقع شده است و مسافران از شرایط آن ناراضی هستند؛ ایستگاهی که نه صندلی دارد و نه سایبان. تشخیص محل دقیق آن تا همین چند وقت پیش حتی برای رانندگان، راحت نبود.



دانش آموزان دبیرستان بولوار شاهنامه، یک هفته برای حضرت زهرا (س) عزاداری کردند

سوگواری پسران «فردوسی» برای مادر

بهشتی از ورودی کوچه تادر مدرسه را با پرچم های مشکی عزامین کرده اند. وقتی هم نزدیک تر می شویم، صدای مداحی برای حضرت زهرا (س) به گوش می رسد. اینجا دبیرستان فردوسی در محله فردوسی است که دانش آموزانش در روزهای گذشته، مراسم عزاداری ساده و بی ربایی تدارک دیدند. مراسم سوگواری دبیرستان فردوسی از دو شنبه هفته قبل آغاز شد و به مدت یک هفته ادامه یافت. دانش آموزان در این مدت، یک تکیه ساده بر پا کردند و با نذری های خود پذیرای دیگران شدند. در آخرین روز هم با بار گذاشتن دیگ نذری و مراسم سوگواری ظهر شهادت به این برنامه خاتمه دادند. رضا کوشافر که از دانش آموزان مدرسه است، می گوید: ما این کارها را از بزرگ ترها یاد گرفتیم و امسال در زنگ های تفریح مراسم عزاداری برپا کردیم. سعید محبی، دانش آموز پایه یازدهم، می گوید: همه کارها را خودمان انجام دادیم و امیدواریم حضرت زهرا (س) از ما قبول کند.



پایان روزهای خاکی خیابان شهید آراسته ۳

در ادامه آسفالت معابر خاکی محدوده متصل شهری منطقه ۱۲، خیابان شهید آراسته ۳ آسفالت شد. این معبر فرعی در خیابان امیریه ۳۱ در محله امیریه واقع شده و ضریب سکونت آن در سال های اخیر افزایش یافته است. آسفالت خیابان شهید آراسته ۳ با مساحت هشتصد متر مربع و با اعتبار ۸ میلیارد ریالی انجام گرفت.

سنگ فرش نوپیش پای ورزشکاران

عملیات سنگ فرش پیاده روهای اطراف مجموعه ورزشی شهدای چهار برج آغاز شده است. این اقدام عمرانی به همت اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ و در راستای تکمیل پروژه ورزشی بزرگ محدوده توس انجام می شود. با احداث مسیر پیاده روهای پیرامونی، سنگ فرش نو نوپیش پای ورزشکاران و ورزش دوستان پهن خواهد شد.

کوچه بسیج ۳، مهیای آسفالت

معبر فرعی بسیج ۳ در محله فردوسی، مهیای آسفالت شد. با اقدام نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۲، فضای ۲۵۰ متر مربعی این مسیر، تسطیح، زیرسازی و جدول گذاری شده است تا برای آسفالت آماده شود. اعتبار زیرسازی پروژه ۲ میلیارد ریال بوده است و آسفالت مسیر هم تاپایان پاییز اجرایی می شود.



بنای اولیه مسجد الزهرا(س) در محله امیریه، طی یک دهه و با تلاش اهالی ساخته شد

آجر به آجر تا مسجد شدن

۱۲



زهرا جمعه پورامی شود زمین وسیعش، سال ها منتظر کلنگ زدن بماند، هیچ معماری چشمگیری نداشته باشد. دیوارهایش اگر چه تازه ساز، اما رنگ پریده و بی زرق و برق باشد. می شود گوشه ای از حیاط کوچکش، نخاله های حاصل از ساخت و ساز آهسته و ناپیوسته انبار شده باشد و بتن های سقفش سال ها منتظر یک سقف یکدست و مرتب باشد تا ردیفی از پوسته های شیشه ای از آن آویزان شود. با وجود این همین بنای ساده و صمیمی می تواند مسجدی نیمه کاره باشد که قلب تپنده ای است در دل محله امیریه.

بناشدن مسجد الزهرا(س) را حافظه تاریخی اهالی محله امیریه به یاد دارد؛ از زمانی که چند تکه فرش، محل عبادت و سجده گاه عده ای می شد تا روزهایی که اهالی دست به دست هم دادند تا در همان فضای ساده، یک مسجد زیبا بنا کنند.



مسجد هنوز هم تکمیل نشده بود.

او با حسی خاص و با ذوقی در چشم و کلامش، این گونه تعریف می کند: عید فطر سال ۱۴۰۰ بود که کلنگ اولیه ساخت مسجد الزهرا(س) را زدیم. جمعیت زیادی از اهالی، مشتاق این لحظه بودند و چشم به کلنگی داشتند

که قرار بود نقطه آغاز ساخت مسجد باشد. این به یاد ماندنی ترین خاطره برای من شد و به قدری خوشحال بودم که اشک شوق می ریختم.

عضو هیئت امنای مسجد و ساکن این محله، از قدیم، زمانی که خبری از چهار دیواری مسجد نبود و حتی در هوای سرد، مراسم مسجد را در پارکینگ منزلش برگزار می کرد. تعریف می کند: وقتی امکان برگزاری مراسم در سوله نبود، پارکینگ منزل را برزنت می کشیدیم تا راه مردانه و زنانه جدا شود و همان جا با کمک اهالی برای پذیرایی شام آشپزی می کردیم. او در ادامه می گوید: هیچ وقت مراسم و برنامه هایمان لنگ نمی ماند. از ابتدا که اوقاف، زمین مسجد را تحویل داد، روزها در زمین مسجد فرش پهن کرده و شب ها جمع می کردیم؛ حتی اگر آخر شب بود و صبح دوباره مراسم داشتیم.

مسجدی پویا به برکت نام حضرت زهرا(س)

محسن پناهی که منزلش هم جوار مسجد الزهرا(س) است، در ادامه به جمع مادر مسجد اضافه می شود. او می گوید: این مسجد، کانون فعالیت های مذهبی و اجتماعی در محله است و با وجود امکانات ضعیف، مراسم با شکوهی در آن برگزار می شود. در ماه محرم و مناسبت های مهم مذهبی، هر شب از عزاداران با شام پذیرایی می شود. در شرایطی که ما در مسجد درآمد نداریم. او ادامه می دهد: حتی در مساجدی که هر ماه درآمد ثابت دارند، چنین پویایی ای را کمتر می بینیم. این ها همه اول به برکت نام حضرت زهرا(س) و بعد هم به همت اهالی محقق شده است.



هیچ چیزی نداشتیم و همه چیز داشتیم

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد سجادی دوست، امام جماعت مسجد الزهرا(س)، درباره دود دهه قبل این طور تعریف می کند: در ابتدا سازمان اوقاف استان خراسان رضوی، دو قطعه زمین که هر دو هم روبه روی هم بودند به کار فرهنگی و مذهبی اختصاص داد؛ یکی مشخصاً به مسجد اختصاص داشت و زمین روبه روی هم کارکرد فرهنگی داشت که متأسفانه بعد تر به شخص واگذار شد. او ادامه می دهد: این زمین که قرار بود در آن فعالیت های فرهنگی یا ورزشی صورت بگیرد و منبع درآمدی برای امور مسجد باشد، حالا به لانه موش و روباه تبدیل شده است که چند بار از آنجا موش به داخل مسجد هم نفوذ کرده است. بارها پیگیری کرده ایم که اگر هم این زمین شخصی است، لااقل زود تر ساخته شود. با اینکه حاج آقا سجادی دوست چهار سالی می شود امام جماعت مسجد الزهرا(س) است، به خوبی با فضای مسجد و تاریخ محله آشناست.



او می گوید: اوایل در سوله نماز را برگزار می کردیم و به چشم می دیدم که مردم فعال و دین دار محله چطور پا به پای هم امور مسجد را پیش می برند. او که صمیمیت و حال خوب مردم را در فضای مسجد دیده است، می گوید: ما قدر همین امکانات کم را می دانیم و خدا را برای داشتنش شکر می کنیم و هیچ وقتی را در این مسجد برای امور تبلیغی و فرهنگی از دست نمی هیم. سجادی دوست می گوید: هر شب بعد از نماز مغرب، برنامه های تبلیغی و فرهنگی تعریف شده داریم. طولانی ترین و ویژه ترین برنامه را چهارشنبه شب ها برگزار می کنیم و یاد عوت از استادان برجسته قرآنی سعی داریم نوجوان ها را جذب این فضای معنوی کنیم. بعد از آن هم کار هیئت نوجوانان شروع می شود که در آن همه فعالیت ها، اعم از تفسیر و ختم قرآن، مداحی و روضه، صفر تا صد به عهده خودشان است.

مراسم در مسجد الزهرا(س) لنگ نمی ماند

هر کدام از اهالی حرفی از ساخت مسجد و تاریخ آن می زند، اشاره ای هم به نام علی اصغر روشنی می کند: مردی که اگر نبود، شاید ساخت بنای سیصد متری



وصیتی که بانی کلنگ زنی شد

سال ۱۳۸۱ دو قطعه زمین از سمت اوقاف به عنوان زمین فرهنگی و مذهبی به محله امیریه و خیابان علویه تعلق گرفت؛ زمین هایی که روبه روی هم قرار داشت. سال ها مردم محله امیریه که جمعیت زیادی هم نبودند در زمین ۱۳۰۰ متری اختصاصی مسجد، تکبیر می گفتند و نمازشان را سلام می دادند. زمین نه سقف داشت نه در و دیوار؛ تنها فرشی روی آن پهن می شد که حائل پای نمازگزاران و خاک و سنگ بود. سال ۹۸ برادران یوسفیان به وصیت پدر مرحومشان، یک سوم از اموالش به مبلغ یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان را به ساخت این مسجد اختصاص دادند و بالاخره کلنگ مسجد الزهرا(س) زده شد. به گفته اهالی محله و مسجدی ها تا مردم آمدند و بروند دنبال مجوزهای شهرداری و آغاز کار، نوسان اقتصادی باعث شد با آن مبلغ فقط بتوانند سوله ای شصت مترمربعی با سقف ایرانی بسازند.

اهالی محله که سال ها منتظر چهار دیواری مسجد بودند، از این فضا هم نهایت استفاده را بردند و همه برنامه هایشان را بدون کم و کسر در همین سوله برپا می کردند.

سال ۱۴۰۰ اهالی فکرشان را یکی کردند و دست یافتنی ترین راه را همت خودشان یافتند. هر کس به شکلی در ساخت مسجد مشارکت کرد. یک نفر خرید سیمان را به عهده گرفت، آن یکی بدون مزد دیوارهای مسجد را بالا برد و به این شکل بود که سوله قدیمی تخریب شد و مسجد در فضایی به مساحت سیصد متر بنا شد و ماه رمضان سال ۱۴۰۱ اهالی محله، بیرق و تزئیناتی را که سال ها آرزو داشتند در مسجد ببینند، روی در و دیوار مسجد الزهرا(س) نصب کردند.



ذوق بچه های مسجد

مادر احمد لنگری، کودک مسجدی محله، می گوید: پسر در همه مسابقاتی که در مسجد برگزار می شود، شرکت می کند و تابه حال سه جایزه هم دریافت کرده است. فکر می کنم این یکی از دلایلی است که پسر را به مسجد علاقه مند کرده است. به طوری که همیشه برای رفتن به مسجد لحظه شماری می کند. خود احمد می گوید: پنجشنبه شب ها که در مسجد قرار شبانه داریم، ما بچه ها خیلی خوشحال هستیم و می توانیم تا صبح در مسجد بمانیم و بعد از دعا ندای ندبه به خانه برگردیم.

مسجد الزهرا (س) که حالا پاتوقی برای نوجوانان و جوانان است، بچه های بسیاری را جذب کرده است. یکی از آن ها مهدی خانی است. نوجوانی که پانزده سال دارد و در محله امیریه بزرگ شده است.

او مراسمی را که در زمین مسجد روی فرش برگزار می شد به یاد دارد و تعریف می کند: از آن وقت تا الان بارفقای هم سنم در مراسم مسجد شرکت کرده و در کارها مشارکت داشته ام. او می گوید: وضعیت روشنائی بیرون از مسجد اصلا مناسب نیست. آخر شب ها با ترس و لرز از اینجا به خانه برمی گردیم. تابه حال چند نفر را در این تاریکی ها خفت کرده اند. همچنین سارقان به یکی از دوستانم که مقاومت کرده بود، با چاقو صدمه زدند.

امیر حسین مقلبی که هشت سال سن دارد، کنار مهدی نشست و مشتاق این است که زودتر نوبتش برسد و بپرسد چرا همه اردو ها برای خانم هاست و برنامه های مخصوص آقایان کم است. باین حال او عاشق انجام بازی فوتبال و مافیاد مسجد است و می گوید: مسجد را بیشتر از پارک دوست دارم.



مرضیه خانم اضافه می کند: اینجا انرژی خیلی خوبی دارد. دوست ندارم شرکت در هیچ برنامه مسجد را از دست بدهم و همه وقتم را در همین فضا پر می کنم.

بانوان محله امیریه دلیل کشش و جذب مسجد الزهرا (س) را از برکت نام حضرت فاطمه زهرا می دانند و می گویند آرامش حضور در مسجد را در منزلشان پیدا نمی کنند. مرضیه رحیمی هم از این انرژی خاص صحبت می کند و می گوید: بسیج مسجد، کلاس های آموزشی، اردو های مختلف تفریحی مثل استخر و حتی بازی برگزار می کند که برای بچه ها خیلی سرگرم کننده است. او ادامه می دهد: دیگر وقت رفتن به مهمانی را نداریم و گاهی که خواهرهایم زنگ می زنند، می گویم نمی توانم بیایم. مشغول برنامه های مسجد هستم. چون این فضا و چراغی که در محله روشن شده، برای من و بسیاری از اهالی یک اولویت است.

شهید گمنامی که به مسجد آمد

یکی دیگر از بانوان محله به جمع ما اضافه می شود. مهتاب رزاقی منفرد می گوید: مسجد مجوز ساخت سه طبقه را دارد، اما اتفاق کوچکی کنار در ورودی به عنوان مهد کودک در نظر گرفته شده است که تنها گنجایش هفت هشت نفر را دارد. اگر هم بخواهیم مراسم عزاداری در اینجا برگزار کنیم، باید همه فعالیت های مسجد به آن اتاق منتقل شود که این در شأن نام مسجد نیست. این بانو ادامه می دهد: به دلیل نبود امکانات، این مسجد خادم ندارد و نظافت و کارهای مسجد به عهده خود اهالی است که با جان و دل انجام می دهیم. اما نبود خادم بعضی وقت ها به چشم می آید. مهتاب رزاقی از زمانی تعریف می کند که مسجد داخل سوله شصت متری بود: «قرار بود شهید گمنامی را برای تبرک به مسجد ما بیاورند. یکی از همسایه ها به من گفت امکان ندارد در این مسجد کوچک و بی امکانات شهید گمنام بیاورند. من هم واقعا ناامید شده بودم، تاروی که به طور باور نکردنی شهید گمنام را آوردند. این خاطره ای شیرین برای ما شد.»

نیازی که دیده شد، اما تأمین نه

غلامرضا عنایتی، رئیس شورای اجتماعی محله و عضو هیئت امنای مسجد الزهرا (س)، ۱۰ سال می شود که در این محله ساکن است. یعنی قبل از کلنگ زدن زمین مسجد و زمانی که علویه یک زمین خالی بود و کمترین امکانات را داشت. او در این باره می گوید: جمعیت این منطقه کم بود و ساخت و ساز هم زیاد نبود. این مسجد با کمک های مردمی ۵۰ و ۱۰۰ هزار تومانی توانست قد علم کند. با توجه به تازه ساز بودن محله خیلی ها هم توان کمک به مسجد را نداشتند.

آقا غلامرضا ادامه می دهد: زمانی که شورای شهر به ساخت و ساز مساجد توجه بیشتری کرد، کارشناسی برای بازدید به مسجد آمد و تشخیص داد که مسجد به بودجه ای معادل ۲ میلیارد تومان نیاز دارد. اما متأسفانه پرداختی صورت نگرفت. امسال که دوباره پیگیری کردیم، بررسی شد و برای تکمیل فازهای بعدی مسجد و تکمیل نمای بیرونی مبلغ ۶ میلیارد در نظر گرفتند که البته بودجه لازم را ندارند.

روشن بودن چراغ مسجد، اولویت ماست

مرضیه ملکی یکی از بانوانی است که حضور پررنگش در مسجد همیشگی است. او این طور توضیح می دهد: با اینکه یک سال است به این محله آمده ایم، احساس می کنم سال هاست خانم های همسایه رami شناسم و عامل اصلی آن هم فضای مسجد است. یکی از برنامه های ثابت مسجد که همیشه در آن شرکت می کنم، ختم صلوات برای اموات است که برای هر کدام باید از قبل نام نویسی شود. تعداد شرکت کننده ها آن قدر زیاد است که فهرستمان از الان تا آخر ماه پر شده است و جای برای نام نویسی نداریم.



نام شهید فاطمه صمدی، زیننده کوچه امامت ۱۱ است

قرعه‌ای که به شهادت ختم شد



شهید فاطمه صمدی

بود. یک شب قبل حرکت کاروان، با انصراف یکی از مسافران، او طلبیده شد. شبانه بار سفر بست و در میان بهت و حیرت خانواده در این سفر، توشه آخرتش را هم برداشت. او کفنی را که سال ها قبل در سفر مکه خریده بود، برای تبرک در حرمین با خود همراه کرد. بی آنکه بداند سفرش، بی بازگشت است و خداوند شهادت در سرزمین عراق را در تقدیرش قرار داده است. بانو فاطمه صمدی، از مبلغان قرآن و خیران محله زیباشهر بود که وقتی در سال ۱۳۸۹ شهید شد، یک محله برایش گریست.

فاطمه سیرجانی اقرعه کشی که انجام شد، اسم او میان اسامی زائران مرقده مطهر امام حسین (ع) نبود. اینکه در سفر زیارتی همراه دوستانش در هیئت ابن الرضا (ع) نبود، برایش سخت بود. به هر که می رسید، با حسرت می گفت: «رفتید حرم امیرالمؤمنین (ع) من را یادتان نرود. بین الحرمین یادم کنید و سلام من را به امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) برسانید.»

با آنکه دوماه قبل از سفر کربلا برگشته بود، باز حسرت رفتن داشت، اما تقدیر برای او به گونه ای دیگر نوشته شده

داشت. همه می دانستند عایدات فروش این سمنو ها صرف تهیه جهیزیه برای نو عروسان نیازمندی شود. از طرفی چون ایشان در محافل و مجالس همسایه هایی هیچ چشمداشت و منتی شرکت می کرد، شناخته شده بود و می دانستند در امور خیر قدم برمی دارد.

شهین خانم از صبوری و مهربانی همسایه شهیدش می گوید و ادامه می دهد: چند سال قبل از شهادتش، توفیقی دست داد که ما با هم به سفر حج برویم. از صبوری، مهربانی، ایمان و اخلاص در عمل آن مرحوم هر چه بگویم کم گفته ام. در آن سفر من در واقع یک مبلغ و راهنما داشتم که در انجام مناسک حج با صبوری راهنمایی ام می کرد.

او از آخرین باری که با شهید دیدار داشت، یاد می کند: «آن روز برای احوالپرسی به منزل ایشان رفته بودم که گفت قرار است عازم سفر کربلا شود. با توجه به اتفاقات منطقه و بمب گذاری هایی که اخبارش را شنیده بودم، و اینکه چون تازه دوماه از سفرشان به کربلا گذشته بود، پیشنهاد کردم از آن سفر صرف نظر کنند. اما او گفت «مرگ حق است. تقدیر هر چه باشد، هر جا باشیم به سراغمان می آید؛ چه بهتر که در خاک کربلا این تقدیر رقم بخورد.»

فلسفه قابلمه خالی فاطمه خانم

یکی از همسایه های شهید، زهران نجفی است که خود همسر شهید و از بانوان مسجدی و خیر محله است. شهید فاطمه صمدی به واسطه ارادت به شهید، با خانم نجفی بسیار مراوده داشت. زهرا خانم تعریف می کند: بیشتر محافلی که فاطمه خانم در آن ها شرکت می کرد مربوط به هیئت ابن الرضا (ع) آب و برق بود؛ همچنین در منزل دوستی که او هم صمدی نام داشت و منزلش را در محله سجاد، وقف مراسم و برنامه های مذهبی کرده بود. خانم صمدی در جلسات قرآن مسجد حضرت رقیه (س) هم به عنوان مدرس حاضر می شد.

پرهیز از غیبت و صحبت پشت سر دیگری، از خصلت های

دعای مردمگش در شهادت باشد

متولد ۱۳۳۳ و اصلتاسبزواری بود. پدرش، حاج احمد، از بزرگان فقه سبزواری و حافظ کل قرآن است. پانزده سال داشت که بعد از دواج راهی تهران شد و او اسط دهه ۷۰ بعد از سر و سامان دادن بچه ها و ازدواجشان به عشق امام رضا (ع) با همسر راهی مشهد شدند. خدیجه اثنی عشری، یکی از دختران شهید، در باره مادر می گوید: مادر من چون در خانواده ای قرآنی رشد کرده بود، انس بسیاری با قرآن و اهل بیت (ع) داشت و در جلسات تفسیر قرآن حاضر می شد.

بعد آمدن به مشهد این فعالیت ها بیشتر شد؛ طوری که بیشتر وقتش را در جلسات قرآن بود. همچنین کارهای خیرخواهانه مثل تهیه جهیزیه عروس و بسته های معیشتی برای نیازمندان را انجام می داد.

خدیجه خانم درباره لحظه اطلاع از شهادت مادر این طور می گوید: مادر تهران ساکن هستیم و تا زمان شهادت مادر از حادثه ای که در نجف اتفاق افتاده بود، بی خبر بودیم. بعد مجروحیت مادر که بر اثر اصابت ترکش در محل بمب گذاری اتفاق افتاده بود، خبر را مدیر کاروان به پدرم داده بود. مادر من چهار روز در بیمارستانی در بغداد در کما بود و در نهایت به شهادت رسید. او از دعای همیشگی مادرش می گوید که از خدای خواست مردمگش را در شهادت قرار دهد.

روی تابلو کوچه امامت ۱۱ و در قست پایین آن، نام شهید فاطمه صمدی به رنگ قرمز نوشته شده است. دختر شهید می گوید: مادر من ساکن کوچه امامت ۱۳ بود که به نام شهید زمانی، شهید دوران دفاع مقدس، است. بعد شهادت مادر من به درخواست اهالی محله، کوچه امامت ۱۱ به نام مادر من ثبت شد. این نشان از لطف هم محلی ها به مادر من بود و حرکتی برای زنده نگهداشتن یاد شهید.

پخت سمنو برای دلخوشی عروس ها

در سال چند بار دیگر بار می گذاشت و سمنو درست می کرد، درست مثل کسی که نذری دارد و باید آن را ادا کند؛ سمنو هایی که بین غریبه و آشنا طالب بسیار داشت. این ها را شهین خانم، همسایه طبقه پایین شهید، تعریف می کند و می گوید: سمنویی که درست می کرد، مشتری زیاد

اولین میهمان سید محله در عید غدیر

همسایه دیگری که از شهید محله خاطرات خوشی دارد، خدیجه صدیقی است. او درباره ارادت شهید صمدی به سادات می گوید: همسر من طبقه پایین منزلمان و بخشی از حیاط منزل را به حسینی



تبدیل کرده است و مراسم پذیرایی از میهمانان در روز عید غدیر همان جا برگزار می شد. در سال هایی که ما با مرحوم فاطمه خانم همسایه بودیم، ایشان و همسرش، نخستین میهمانان برای تبریک عید غدیر به همسر سیدم بودند.

خدیجه خانم تعریف می کند: همسران فاطمه خانم نقل می کردند شب قبل شهادت، کفنی را که با خود برده بود، بعد از تبرک در حرم حضرت علی (ع) پوشیده و دوباره جمع کرده و در بقعه مخصوص گذاشته بود.

فردای آن روز در مسیر نجف به کربلا، ترکش های ناشی از انفجار بمبی که در سطل زباله بوده، به سر ایشان اصابت کرد و سبب مجروحیت و بعد هم شهادت ایشان شد.

خدیجه خانم از هدیه ای ارزشمند می گوید که شهید صمدی به او و زهرا خانم، همسر شهید زمانی، داده بود: «پدر فاطمه خانم حافظ کل قرآن است. ایشان دعای جوشن کبیر را روی دو پارچه سفید نوشته بود که فاطمه خانم یکی از آن ها را به من و دیگری را به همسر شهید زمانی هدیه داد.

امروز آن هدیه برای ما بیش از پیش ارزشمند است؛ چون آن را همسایه ای که لیاقت شهادت، آن هم در سرزمین کربلا نصیبش شد، به ما داده است.»

بوستان بانوان ملت، در گذر ۲۰ سال، جای خودش را در میان شهروندان پیدا کرده است

شهربانو، حس خوش امنیت

● مشق دوچرخه سواری در سایت بانوان

رینگ ویژه پیاده روی حدود ۳۵۰ متر است. در مسیر رینگ پیاده روی، زمین وسیع بسکتبال و والیبال رمی بینی که نوجوانان و تیم های دانش آموزی در آن مشغول تمرین بسکتبال هستند. در مسیر ویژه پیاده روی، صندلی های چوبی برای استراحت تعبیه شده است.

فضای بازی کودکان در محوطه ای ایمن سازی شده با کف پوش استاندارد و چند دستگاه تاب و سرسره در کنار فروشگاه سایت بانوان، فضای شادی برای کودکان فراهم کرده است. مریلا یزدانی رامشغول تاب دادن دختران دوقلویش می بینم. او که از محله زیباشهر فرزنداناش را به این بوستان آورده است، خلوتی و نزدیک بودن این بوستان را دلیل انتخابش برای بازی دختران عنوان می کند.

یکی دیگر از جاذبه های بوستان شهربانوی بوستان ملت، زمین چمن طبیعی آن است. رینگ دور تا دور زمین هم برای استفاده دوچرخه سواران و کسانی که قصد پیاده روی در این قسمت از بوستان را دارند، فضای مناسبی است.

مریم سبحان دوست به همراه خواهرش مشغول تمرین دوچرخه سواری است. مریم می گوید: از اتفاقات خوب این بوستان در کنار در اختیار قرار دادن دوچرخه بایدو، آموزش دوچرخه سواری به بانوان است. او دوچرخه سواری را ورزشی مفرح می داند و بانوان در این زمین اختصاصی در امنیت می توانند رکاب بزنند و از فضای سرسبز و زیبای بوستان لذت ببرند.

به دلیل بیماری آسم، استنشاق ذره ای دود سیگار اذیت می کند. در قسمت های دیگر پارک، بعضی جوان ها در کنار ورزش و تفریح، سیگار از دستشان نمی افتد و این برای کسانی چون من آزار دهنده است. در کنار دستگاه های ورزشی، سه میز تنیس هم جانمایی شده است. مژده پور محمدونسترن السادات حیدری، دانشجویان رشته تربیت بدنی، برای تمرین تنیس روی میز از محدوده آب و برق به اینجا آمده اند. مژده فضای در نظر گرفته شده برای تمرین تنیس بانوان را عالی توصیف می کند و می گوید: در دل بوستان، چند میز تنیس قرار دارد که همیشه در قرق آقایان است و برای استفاده از آن ها زمان بندی شده است. او دوستش که تازه این بخش را پیدا کرده اند، قرار است بعد از این هم برای تمرین و استفاده از فضای بوستان ملت به بخش ویژه بانوان بیایند.



فاطمه سیرجانی از سمت بولوار امامت یعنی در غربی بوستان ملت که وارد شوی، سمت چپ شهربازی در کمتر از صد قدم به ورودی سایت بانوان می رسی؛ یعنی بوستان شهربانوی ملت. در سال ۱۳۸۲ این فضا که ابتدا در دو هکتار در سمت درب غربی و نزدیک به بولوار امامت احداث شد، فرصتی بی نظیر و امن را برای تفریح و ورزش بانوان فراهم کرد. استقبال گسترده از این فضای اختصاصی، متولیان امر را بر آن داشت تا ضمن افزودن سه هکتار دیگر به این فضا امکانات جدیدی نظیر زمین چمن، مسیر ویژه دوچرخه سواری، فضای بازی برای کودکان به آن اضافه کنند. رینگ پیاده روی و نمازخانه، از دیگر ظرفیت های سایت ویژه بانوان است.

● پیاده روی و ورزش همراه با آرامش

بعد از گذر از در شیشه ای و قسمت انتظامات به فضای سرسبز اختصاصی بانوان می رسیم. در همان ابتدا حدود سی دستگاه بدن سازی دور تا دور زمین آسفالت بزرگی چیده شده است. اول صبح است و تعداد استفاده کنندگان از دستگاه ها به شمار انگشتان یک دست نمی رسد. زهره یازیان شصت و دوساله، بازنشسته آموزش و پرورش و در حال تمرین با یکی از دستگاه های ورزشی است. او که هر روز از ساعت ۷ به این مکان می آید، می گوید: احداث این مکان و تکمیل فضاهایش حرکتی پسندیده است؛ چون در کمال آرامش می توانی از پیاده روی و زیبایی طبیعت استفاده کنی. او ممانعت استفاده از دختانیات را یکی از مزایای سایت بانوان می داند و می گوید:

نوجوان بوکسور محله چهار برج، با درآمد کار گرافیک، دنبال موفقیت رزمی رفته است

روی پای خود



امید محله

● از آن مسابقه و رقابت های بعدی

چه چیزی در ذهنت ماندگار شده است؟

این رقابت ها باعث شد که بفهمم همه چیز را از همان اول یاد نمی گیریم و باید پله پله مسیر را طی کنیم.

● این رشته باعث ناراحتی تو هم شده است؟

بله، بعضی ها از این رشته و آموزه هایش در فضای غیر از باشگاه استفاده نادرست می کنند. این را دوست ندارم. از ناعدالتی در مسابقه هم ناراحت می شوم.

● برنامه غذایی خاصی داری؟

غذای چرب نمی خورم و قبل از رفتن به باشگاه، کره بادام زمینی و موز می خورم.

● چه کسی در رشته بوکس، تو را بیشتر تشویق کرد؟

برادرم پشتیبانم بود و مربی ام، آقای محمد حسینی خیلی به من انگیزه داد.

● به جز ورزش به چه کاری علاقه داری؟

به رشته گرافیک و فتوشاپ با کامپیوتر علاقه دارم و از آن کسب درآمد و هزینه باشگاهم را با آن پرداخت می کنم.

● برنامه ات برای آینده چیست؟

می خواهم این ورزش را ادامه دهم و در آینده موفقیت های ملی و بین المللی کسب کنم.

● مهم ترین موفقیت در این رشته چه بوده است؟

سال پیش بود که در رقابت استانی شرکت کردم. مربی ام از سه ماه قبلش، من را برای مسابقه آماده کرده بود و توانستم مقام اول استانی را در بوکس نوجوانان به دست آورم.

● فضای مسابقه برای

چطور بود؟

چون اولین مسابقه ام بود، دلهره شدیدی داشتم. البته همان مسابقات باعث شد ترسم از رقابت بریزد.

به نظرم وقتی ترس کنار می رود، علاقه واقعی پیدا می شود.

● چه شد که سراغ ورزش بوکس رفتی؟

اول برادرم به این ورزش مشغول بود. وقتی تمرین هاو لباس هایش را دیدم، من هم علاقه مند شدم و دو سال قبل، از باشگاه محله شروع کردم.

● چه چیزی تو را در این

رشته نگه داشته است؟

بیشتر از همه به این دلیل که انرژی ام در باشگاه تخلیه می شد. آن قدر در باشگاه تمرین می کردم که خسته می شدم و همین کارها من را به بوکس علاقه مند کرد. البته توان ضرباتم هم زیاد بود که کمک کرد استعدادم را به مربیان نشان دهم.





برای پیوستن به کانال شهرآرامحله منطقه ۱۱ و ۱۲ در تلگرام راسگنی کنید



تشکیل شهید عرفایی، تشکلی مردمی برای ترویج حجاب و عفاف در بوستان ملت است. این گروه در مراسم عزای مادر سادات، پرچم متبرکی از حرم حضرت رقیه (س) را با خود به این محفل آورده است. این پرچم، شور و حالی توصیف‌ناپذیر میان عزاداران فاطمی برپا کرده است.



هیئتی هاو نمازگزاران مسجد فاطمیه محله زیباشهر پای کار آمده‌اند و با چای و شیر داغ از همه پذیرایی می‌کنند. حجت الاسلام والمسلمین سلطانی می‌گوید: پذیرایی، تبرک و برکت مراسم اهل بیت (ع) است و باید باشد. این کارها به شکوه چنین برنامه‌هایی کمک می‌کند.

هیئت‌های فعال منطقه ما، برای برگزاری مراسم باشکوه دهه فاطمیه متحد شدند

همه زیر یک پرچم

۱۱

فاطمه سیرجانی | تشکلی های مردم نهاد و هیئت های منطقه ۱۱ دور هم جمع شدند تا در مراسمی به مدت یک هفته، یک صد انام حضرت زهرا (س) را بر زبان و قلب خود بیاورند. این حرکت خودجوش به برپایی محفل عزایی باشکوه و شلوغ در نمازخانه شهدای جانباز بوستان ملت منجر شد. البته این مراسم یک تفاوت ویژه با برنامه‌های مشابه داشت و آن، حضور ورزشکاران بوستان ملت در این مراسم صبحگاهی بود. نوحه خوانی و عزاداری، نمایش پنج بعدی واقعه کربلا با نمایشگر مخصوص برای علاقه‌مندان، اهدای روسری و تبرکات حرم مطهر و پذیرایی، بخش‌های متنوع این مراسم مذهبی بود.



محمد حسن دلیری ۱۰ سال دارد و هر روز ساعت ۵ از محله الهیه به همراه مادرش راه می‌افتند تا به این مراسم برسند. او که به گفته خودش ارادتمندی به خاندان ائمه (ع) را از سن کم آموخته است، در این مجلس هرکاری به او محول شود، نه نمی‌گوید. محمد حسن می‌گوید: خدمت در این محافل افتخار است، به ویژه که خدمت برای مادر امام حسین (ع) باشد.



عکس: فاطمه سیرجانی / شهرآرا

استقبال بانوان از مراسم روضه و عزاداری بوستان ملت چشمگیر است، به طوری که جایی برای نشستن در این محفل پیدا نمی‌شود. زهره موسوی، یکی از حاضران در برنامه، می‌گوید: هرچه حضور بانوان در این مراسم پررنگ تر باشد، ترویج زندگی فاطمی در جامعه عمیق تر خواهد بود.